



عکس: Getty Images

گزارش «اکنونومیست» از جمعیت، رشد و نابرابری در جهان

نسل سالخورده در حال دگرگون‌سازی اقتصاد جهانی

مترجم: محمدحسین ابییکچی

(زنانی که هم‌اینک مشغول به کار نیستند یا گروه‌های مهاجر) و ثائیا – نیروهای کاری تا چه مدتی مشغول خواهند بود. در اواخر قرن‌بیستم بود که عامل ثانوی اخیر کمی تغییر یافت. بررسی تحلیلی روی ۴۳ کشور ثروتمند توسط دانشگاه هاروارد نشان داد بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۲۰۰۵، میانگین سن بازنشستگی قانونی به کمتر از شش‌ماه افزایش یافت و در همان زمان، امید به زندگی مردان نیز تا ۹سال افزایش پیدا کرد.

با پایان قرن گذشته، همان روند قبلی ادامه داشت. حدود ۲۰درصد جمعیت بالای ۶۵ سال آمریکا در حال حاضر در بازار کار فعالند که در مقایسه با رقم ۱۳درصد در سال ۲۰۰۰ افزایشی را نشان می‌دهد. نزدیک نیمی از جمعیت آلمان با ۶۰ سال سن در استخدام مراکز اشتغال هستند که این رقم در یک دهه پیش یک‌چهارم جمعیت کشور بود.

کشورهای بدهکار اروپا ضمن انصراف از وعده‌ووعیدهایی که به بازنشستگان داده بودند بالااجبار سن بازنشستگی را بالا برده‌اند. نیمی از کشورهای اروپایی که ایتالیا، اسپانیا و هلند را نیز شامل می‌شود سن مقرر بازنشستگی را با امید به زندگی ربط داده‌اند. البته نقش شرایط و امکانات مالی شخصی مردم را نیز نباید فراموش کرد. مهم اینکه در اغلب کشورها انتقال جمعیتی مورد اشاره نقش بسزایی در بحران مالی ۲۰۰۸ ایفا کرد. به طوری که زیان آن متوجه دارایی‌های بسیاری از افراد واقع در سن بازنشستگی شد. همچنین برخی مشکلات دولت‌ها در تأمین محتاج بازنشستگان موجب شد تا کسری در بافتی آنها از طریق اشتغال مجدد و بیش از حد طاق به نوعی جبران شود.

۲- نرخ اشتغال مردم آمریکا بر حسب سن و سطح تحصیلات



جمعیت پیر جهان به معنی کاهش سرعت رشد بوده و در نتیجه این طبقه مجبور است برای گذران زندگی خود از دارایی‌های خود بهره برده و کمتر بتواند پس‌انداز کند. که البته به‌زودی جامعه پیر شاهد کاهش ارزش سرمایه و افزایش نرخ پیره خواهد شد. تازه، برخی از اقتصاددانان بر این عقیده‌اند که مردم بیشتر از گذشته خود را با محیط تطبیق داده و طولانی‌تر از قبل به کار مبادرت خواهند کرد



اما عامل بسیار مهم دیگر سطح آموزش و تحصیلات است. جمعیت تحصیلکرده بالای ۶۵ سال برای مدت‌زمان بیشتری نسبت به همسالانی که دارای تحصیلات بالا نیستند می‌توانند به کار اشتغال داشته باشند. در آمریکا، فقط ۳۲درصد فارغ‌التحصیلان مرد مقطع متوسطه، شاغلان بازار کار را در رده سنی ۶۲ تا ۷۴ نشان می‌دهد. این رقم برای تحصیلات بالاتر به ۶۵درصد بالغ می‌شود. اما برای جامعه زنان، این نسبت یک‌چهارم در برابر یک‌پنجم (بسته به میزان تحصیلات) دور می‌زند. همچنین فقط یک‌چهارم سالخوردگان واقع در سنین ۶۴–۶۰ که دارای کمترین میزان تحصیلات هستند هنوز به انجام کاری مبادرت دارند.

بدیهی است شاغلان فاقد مهارت لازم در سنین بالاتر به مشقت بیشتری دچار می‌شوند و به نسبت دستمزد کمتری نیز دریافت می‌کنند. چنین وضعیتی شرایط را برای دوران بازنشستگی سخت می‌سازد. اما در مورد افراد غیرشاغل که مهارت ناچیزی را هم با خود دارند مساله بازنشستگی بسیار درآور است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد: کسانی که از حالت بی‌اشتغالی وارد دوران بازنشستگی می‌شوند دارای احساس خاصی از خوشی هستند.

کارکنان ماهر نیز که دستمزد بیشتری دارند انگیزه بیشتری برای ادامه کار دارند. سلامتی و طول عمرشان بیشتر و حتی بعد از سن ۶۵ سال انگیزه، علاقه و دل‌بستگی بیشتری نیز به ادامه کارشان دارند.

البته آنچه آمد نه دلیل بر رشد نیروی کار است. نرخ کلی اشتغال در میان افراد بالای ۶۰ سال نسبت به همسالان گروهی خود در سنین پایین‌تر همچنان کمتر است. در اروپا، نرخ بیکاری در میان جوانانی که حداقل تحصیلات را ندارند بسیار بالاست. در آمریکا، نرخ اشتغال برای افراد بی تجربه بسیار کاهش یافته است. به طور کلی نرخ اشتغال (برای زنان) در بسیاری از نقاط جهان در حال کاهش است.

بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد عمده طرفی‌تها و تجارب کاری مردم هم‌زمان با گذر عمر کاهش می‌یابد. بررسی اخیر یک موسسه تحقیقاتی کانادا روی بازی ویدیویی گویای همین واقعیت است. «آلفرد سوی» با اشاره به جهان اول آن را «جامعه پیر» نامیده است. این جامعه گویای مردمی است که در منازل قدیمی زندگی کرده و همراه با افکار و اندیشه‌های گذشته نفس می‌کشند»

طی دهه ۱۹۹۰ رشد تولید در ژاپن همسو با کاهش جمعیت فعال رو به نقصان گذشت و عملکرد تولیدی آلمان هم‌زمان با پیروی جمعیت سیر نزولی یافت.

اما رشد آرام تولید زاین ناشی از سرمایه‌های غنی و برنامه اصلاحی آلمان مبتنی بر کاهش بیکاری بر این اساس اتفاق می‌افتد که هر دو کشور همچنان با هرم سنی

سالخورده طرفیت بالایی از ناوآوری را نسبت به آمریکا دارند. کمبود نیروی کار خود مشوق و انگیزه‌ای قوی برای نوآوری‌های تکنولوژی به منزله سرمایه و دارایی

جهان

«مادورو» پس از یک سال

در ونزوئلا با گذشت یکسال از رئیس‌جمهوری مادورو همه‌چیز تغییر کرده و در عین حال هیچ‌چیز تغییر نکرده است.

این را می‌توان از بازار ماهی «مرکادو دو کوش» در یک محله کارگرنشین این شهر دید. جایی که مردم به‌دنبال موقعیت بهتر به هم تنه می‌زنند، فروشندگان با صادی بلند آنچه از آخرین صید خود برای فروش فراهم آورده‌اند را فریاد می‌زنند و بوی ماهی از همه‌جا به مشام می‌رسد. بازار شلوغی خاصی دارد زیرا که خوردن ماهی به همراه خانواده در عید پاک یک رسم است. دیوگنز آلزولای که به همراه نوه‌اش برای خریدن یک ماهی تن به بازار آمده می‌گوید سال پیش برای خرید یک‌کیلو ماهی تن حدود ۸۰دلار ونزوئلایی می‌پرداخته است (معادل ۱۳دلار به نرخ دولتی). امسال قیمت همان مقدار از همان نوع ماهی ۱۴۰دلار ونزوئلایی، چیزی نزدیک به دوبرابر شده است. در آن‌سوی بازار نیز لوئیس یاردس، در حال بررسی یکی میز از ماهی‌های تازه برش داده‌شده از افزایش قیمت نسبت به سال پیش شکایت می‌کند. اما من به بازار نیامد تا داستان دیگری از تورم سر به فلک‌کشیده ونزوئلا بسازم (۶۰درصد در سال گذشته).

من به اینجا آمده‌ام- به دور از لفاظی‌های سیاسی نیروهای اپوزیسیون و مفارایی‌های دولت- به این دلیل که از مردم بپرسم که آنها چه کسی را برای دوبرابرشدن قیمت ماهی تن مقصر می‌دانند؟ آقای آلزولای قبل از

هر چیز گفت: «دولت» و سپس ادامه داد که: «هیچ توسعه‌ای در یک‌سال گذشته صورت نگرفته است». هیچ‌چیز، به‌نظر نمی‌رسد که کمبود غذا و تورم از نگرانی‌های دولت باشد. آنها فقط نگران جنگ و دعوا و تهدید هستند. این همه چیزی است که (مادورو) می‌یاند. در یک نگاه کلی، مادورو در سال اولش هیچ دستاوردی نداشته است. مخالفان

سیاسی دولت علاقه‌مند به بیان این هستند که مادورو در سال اولش یک مصیبت مطلق بوده است. (در حالی که) دولت می‌گوید که اوضاع از آنچه می‌توانسته باشد بهتر است. حقیقت این است که هر دو طرف تا اندازه‌ای درست می‌گویند. چالش‌هایی که به مادورو از ریس‌جمهور پیشین هوگو چاوز به ارث رسیده است واقعی و عمیق است. اما چپ‌وار قدرتمند، زیرکی و توان این را داشت که کشور را در مقابل آن چالش‌ها حفظ کند. این عمل برای مادورو بسیار سخت‌تر است. او شایهتی به‌جاور ندارد.

شورشیان مخالف که در ماه‌های اخیر به تهدید مادورو پرداخته‌اند ممکن است در واقع برای او مقداری وقت فراهم آورده باشند. معترضان به رئیس‌جمهور این فرصت (جازه) را دادند که نگاهش را از مسیر مشکلات اقتصادی و اجتماعی به نیروهای اپوزیسیونی که می‌گفت تهدید کودتایی علیه دولت منتخب او محسوب می‌شدند، تغییر دهد. نیروهای اپوزیسیون «افکار» آیدهای بی‌توجه بودند. نقطه‌فوت «چاوز- چه او را دوست داشته باشیم، اما درست‌هنگامی که رئیس‌جمهور برای درست‌کردن اقتصاد تقلا می‌کند، مخالفان به همان اندازه به (کمک به) عقب‌نشینی شورشیان با بهره‌گیری از «افکار» آیدهای بی‌توجه بودند. نقطه‌فوت «چاوز- چه او را دوست داشته باشیم، عاشقش باشیم یا از او بیزار باشیم- این بود که او مردی بود که می‌دانست ریشه حرکت در عقاید است که چیزی بسیار فراتر از سیاست باشد.

در حال حاضر مخالفان (اپوزیسیون) ونزوئلا در بین دو جناح تقسیم شده‌اند. جناح راست افراطی- که خواهان خلاص‌شدن کشور از قدرت‌های چاوزی و مائورویی هستند و در سمت دیگر جناح راست میانه‌رو که برای پیروزی بر درص اندکی از طرفداران چاوز در جهت معلوب‌کردن همگی آنها تلاش می‌کند. هر دو استراتژی بیشتر ریشه در سیاست دارد تا اعتقاد. (اما در حالی که فشار و کینه‌توزی می‌تواند شعله‌های اختلاف را برافروزد، تفکر دقیق و بیان ایده‌هاست که می‌تواند به بهبود اوضاع کمک کند) اکنون در ونزوئلا به‌دین صفت یکسالگی رئیس‌جمهوری مادورو، جایی که هنوز سردم می‌توانند برای عیدپاک ماهی بخزند؛ کشوری پر از تردید و نالاکلیفی، جایی که شناسایی مشکلات بسیار آسان است و راحل‌ها دشوار.

نگاه

یادداشت

آمادگی افغانستان برای ریاست‌جمهوری «عبدالله»



اردشیر زارعی‌قنوا‌تی

دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان در شرایطی پایان یافت که بنا بر اعلام کمیسیون مستقل انتخاباتی این کشور «عبدالله» با کسب ۴۴٫۹درصد آرا، نفر اول و «اشرف غنی احمدزی» با ۳۱٫۵ درصد آرا تا اینجا‌ی کار به دور دوم انتخابات راه یافته‌اند. با توجه به وفور آرای باطله و تقلبی که فعلا قرطیینه شده‌اند و مهلت اعتراضات و رسیدگی به آن که تا روز ۱۸ اردیبهشت ادامه خواهد داشت در کنار بدبختان‌های سیاسی در افغانستان، هنوز احتمال یک تغییر و مصالحه برای فیصله این انتخابات در همان دور اول وجود دارد. در این انتخابات سیاسی -قومی میزان آرای انتخاباتی کاندیدا و به‌خصوص دو کاندیدای پیشتاز در حوزه‌ها و ایالت‌های قومی به‌دلیل ترکیب‌بندی ستادهای انتخاباتی و گرایش‌های قومی توده‌های رای‌دهنده از قبل قابل پیش‌بینی بود. تنها موردی که تا حدودی غیرقابل پیش‌بینی بود، شکست فاحش «زلمی رسول» نفر سوم با کسب ۱۱٫۵درصد از آرا بود که به‌لحاظ حمایت‌های آشکار و پنهان اقوام پشتون قوم «درانی» در قندهار و نزدیکی «حامد کرزای» رئیس‌جمهوری این کشور به وی تا حدودی نشان‌دهنده گسست در جبهه پشتون‌ها و افول اعتبار کرزای در بین جامعه افغانستان و حتی پشتون‌های این کشور می‌تواند تلقی شود. چنانچه رسیدگی به اعتراضات و مصالحه پشت‌پرده سیاسی در طی دوهفته آتی به نتیجه نرسد، ضرورت برگزاری دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری در افغانستان اجتناب‌ناپذیر است.

در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان به همان دلیل ترکیب سیاسی -قومی این انتخابات، بار دیگر نیز پارامترهای مولفه‌های نقش‌آفرینی می‌کنند که در دور اول نقش داشته‌اند. در این مرحله تأثیر عامل قومیت به‌مراتب نقش پررنگ‌تری را ایفا کرده و باید در انتظار یک انتخابات دوقطبی در وضعیت «لاتین ملی» و رقابت فشرده‌تر قومی بود که به‌دلیل اصطلاح دیگر قومیت‌های ساکن افغانستان با قومیت آلترناتیوی و تاریخی پشتون‌ها و همچنین ۱۲ سال زمامداری ناکارآمد کرزای به‌عنوان نماینده این قومیت بر افغانستان، شانس عبدالله‌عبدالله را نسبت به رقیب خود افزایش می‌دهد. چنانچه به جدول میزان آرای دونفر پیشتاز دور اول در جغرافیای قومی افغانستان نگاه شود به درستی این نکته اثبات می‌شود که عبدالله در ۱۹ ولایتی که فاقد اکثریت پشتون بوده‌اند اول و به مراتب بالاتری را کسب کرده و احمدزی در ۱۴ ولایت با اکثریت پشتون پیشتاز بوده است که تنها ولایت پشتون‌نشین و مهم قندهار از این قاعده مستثنا بوده است. قندهار که همیشه مرکز ثقل قوم پشتون به حساب آمده و جایگاه قابل درانی و خانواده کرزای است، تنها به‌لحاظ حمایت حلقه خانوادگی و اطرافیان رئیس‌جمهوری رسول را بر احمدزی ترجیح داد که این معادله در دور دوم

بمنفع احمدزی تغییر خواهد کرد. البته این ترکیب رای در پیشن قومی انتخابات افغانستان یک امر مطلق نیست اما وجهه نسبی داشته و از همان الگوی انتخابات قومی تبعیت می‌کند. هر دو کاندیدای رقیب به‌دلیل انتخاب معاونان خود از میان دیگر قومیت‌ها تا حدودی سعی کرده‌اند که بخشی از آرای آلترناتیو رقیب را شکسته و به سبب خود واریز کنند که هرچند این تاکتیک تا حدودی جواب داده است اما تغییری اساسی در بنیان قضیه ایجاد نمی‌کند.

دوقطبی‌شدن انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان در موقعیت قومی تا حدود زیادی معادلات دور اول را دگرگون می‌کند اما، شمایی کلی این تصویر در قالب پشتون‌ها و دیگران همچنان مرکز ثقل میدان بازی خواهد بود. این دوقطبی در موقعیت کنونی به‌مراتب بمنفع عبدالله‌عبدالله نسبت به رقیب پشتون خود است چراکه بسیاری از آرای ازبک‌ها که به‌دلیل ائتلاف ژنرال «ووستم» با احمدزی در دور اول به سبد کاندیدای پشتون واریز شد این بار دچار یک تغییر عمده خواهد شد. در ایالت هرات هم که به جهت ائتلاف «اسماعیل‌خان با سیاف» بخشی از آرای این ولایت از سبد عبدالله کسر شد این بار با دور خارج شدن این ائتلاف، اکثریت مطلق این آرا به سبد عبدالله سرارز می‌شود. اکثریت مطلق آرای قندهار را باید به‌دلیل از دور خارج‌شدن ائتلاف «رسول» با خانواده کرزای» از هم‌اکثون به حساب احمدزی واریز کرد هرچند هنوز تصمیم‌گیری کرزای برای حمایت از یکی از کاندیدای دور دومی مشخص نبوده و به لحاظ شخصیت معامله‌گر وی می‌تواند تغییری در این معادله ایجاد کند. از طرف دیگر عبدالله هرچند نماینده ائتلاف شمال و به خصوص تاجیک‌ها به حساب می‌آید اما پیشینه پدری وی به پشتون‌ها برمی‌گردد، همچنین ائتلاف وی با «محمدخان» پشتون یک شانس حاقلی را برای دست‌بر به سبد پشتون‌ها برای وی ایجاد می‌کند. البته این نکته را هم نباید فراموش کرد که اکنون جنبش «طالبان» که بین پشتون‌ها بوده و آنان در این دور هم ساز مجری انتخابات می‌کند که همین موضوع، به اضافه نامانی و عدم امکان برگزاری انتخابات در بسیاری از بخش‌ها و روستاهای پشتون‌نشین، قدرت رای‌گیری احمدزی در این ولایات را کاهش می‌دهد. نکته مهم‌تر اینکه در موقعیتی که گسست‌های درون‌قومی در افغانستان نیز وجود دارد عبدالله‌عبدالله از شانس یکدستی در رای تاجیک‌ها و هزاره‌ها سود می‌برد که این می‌تواند «بیمه پیروزی» در نبرد نهایی باشد.

هرچند تصویر جغرافیای قومی و انتخاباتی افغانستان در بررسی عوامل مختلف و دخیل در انتخابات ریاست‌جمهوری یک دوقطبی را نشان می‌دهد اما در تجمیع کلی وضعیت بمنفع عبدالله خواهد بود. این در شرایطی است که میزان آرای دو رقیب در دور اول نشان‌دهنده یک اختلاف ۱۳٫۴ درصدی بمنفع عبدالله بوده است که برکردن این فاصله در وضعیت موجود اگر بعید نباشد، بیشتر به یک معجزه نیاز دارد. بدون تردید میزان شرکت‌کنندگان در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان نسبت به دور اول به‌دلیل خارج‌شدن کمپین‌هایی که هر کدام تا حدودی نماینده اقشار و خرده‌قومیت‌های مختلف بودند، کاهش چشمگیری پیدا می‌کند. در چنین شرایطی آن کاندیدایی که بتواند در وهله اول صف رای‌دهندگان اصلی خود را همچنان مستحکم و یکدست نگاه داشته و توان جلب آرای بینابینی را داشته باشد از شانس بهتری برای پیروزی برخوردار است. با توجه به حضور چند دوره عبدالله‌عبدالله در مبارزات انتخاباتی و حمایت تشکیلاتی سنتی که از آن برخوردار است در کنار کم‌تجربگی و عدم وجود تشکیلات یکپارچه که توسط احمدزی در این مورد نیز چنین قدرت‌به طرف عبدالله سنگینی می‌کند، از آنجا که تقریباً پیروزی عبدالله در عرصه سیاسی - قومی افغانستان تا حدود زیادی نزدیک به واقعیت است در جامعه‌ای که بسیاری از معادلات بر اساس معاملات پشت‌پرده برای حفظ قدرت سیاسی، اقتصادی، قومی و اجتماعی رقم می‌خورد، شاید از هم‌اکثون بتوان صف ملاقات‌کنندگان جدید در پشت در خانه عبدالله را نسبت به خانه احمدزی طویل‌تر دید. اگر وضعیت غیرقابل پیش‌بینی در طول مدت بقاءیمانده تا برگزاری دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان اتفاق نیفتد، از هم‌اکثون می‌توان عبدالله‌عبدالله را در پشت در ارگ ریاست‌جمهوری برای تحویل گرفتن قدرت از حامد کرزای به وضوح دید.